

# ۷ پرسش از وکیل گارسز

ترجمه: بنفشه غلامی - foreign policy

دوم دسامبر، با اعلام خبر مرگ آگوستو پینوشه، این جمله بر پیشانی بسیاری از رسانه‌ها را خشنید. مرگ دیکتاتور شیلی را از جنگ عدالت‌ها هانید، این عبارت بازتابی از بی حسرت و افسوس عمیق بود، حسرتی که داستان دو دهه انتظار از ادیبخوانان و بی تابی مخالفان ستم و بی عدالتی را بازگو می‌کرد. از امریکای لاتین تا خاورمیانه، همه خواهران سپردن پینوشه به جنگ عدالت بودند. مشاهده اادی یک دیکتاتور و خوشی‌های دوران زندگی او در این سال‌ها، پیام تلخ و آزارنده‌ای داشت. به همین دلیل، افکار عمومی با شوق و اشتیاق، تلاش و کلاهی پرورنده پینوشه را دنبال می‌کردند. در نظر همه، پینوشه نمادی از دوران سیاه حق‌کشی و حقیقت‌سنیزی بود. لذا محاکمه‌ای مواست علاوه بر افشای اسرار آن ایام، جلوه‌ای از تابش عدالت در صحنه سیاست باشد. اما مرگ پینوشه همه آن امیدها و تلاش‌ها را ناگه گدازد. این افسوس و حسرت پیش از همه در چهره نیم پی جوانان شد. از زمره این افراد خوان گارسز و کیل اسپینا تباری پرورنده پینوشه است. کسی که مدت‌ها برای فراهم کردن اسناد جرایم او و کشاندن دیکتاتور به پای میز محاکمه و قضا به مبارزه کرد. اکنون گزارانگر نام‌نشره Foreign Policy به سراغ او رفته‌اند و از زبان او گفته‌های پرورنده پینوشه را روایت کرده‌اند.



شما چند سال از وقت تان را به همراه هزینه مالی فراوان صرف تحقیق و تلاش برای جاری شدن عدالت درباره پینوشه، کرده‌اید. وقتی خبر مرگ پینوشه، را شنیدید، چه حسی داشتید و چه واکنشی نشان دادید؟

پینوشه ۹۱ سال داشت و شنیدن خبر مرگ او در چنین سن و سالی برای من چندان غیرمترقبه نبود اما چیزی که برای من اهمیت داشت و دارد این است که او در حالی مرد که مورد تعقیب کثیری چند کشور جهان از جمله آمریکا، فرانسه و آلمان قرار داشت. برای مثال در اسپانیا، در سال ۱۹۹۸ به خاطر جنایت، نسل‌کشی، ترویسوم و شکنجه به دلیل سیاسی مجرم شناخته شد.

تا بنابر این او به عنوان یک قزاقی از چنگال قانون در گذشت. پینوشه تا ۲۰۰۰ در شیلی پناه گرفت، اما در همان جا هم به دلیل جنایت‌های بزرگ در پادشاهی خانگی بود. پینوشه هرگز محاکمه نشد، به طور روشن توضیح دهید چرا این گونه شد؟

در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۸ دستگیر شد. در ۱۹۹۹ انگلستان با درخواست ما مبنی بر استرداد اقدام کند. در پی همین ماجرا بود که «پینوشه» سال ۱۹۹۸ دادگاه جنایی اسپانیا به من پیشنهاد کرد برای استرداد پینوشه از انگلستان شکر می‌داد و از نظر فکری و مغزی دچار مشکل نیست و از هیچ گونه اختلال مشاعر رنج نمی‌برد اما درباره محور دوم منی نامکن بودن محاکمه او در شیلی باید گفت نتیجه اجماع نظر قوای نظامی، سیاسی و اقتصادی شیلی بود که محاکمه پینوشه را در کشور شیلی نامکن می‌کرد و به همین دلیل فرض محاکمه او در این کشور کنار گذاشته شد. بعد از آن که «پینوشه» در سال ۲۰۰۰ از لندن به شیلی بازگشت، رئیس جمهور وقت شیلی بر منشای شان حاکم سابق شیلی پذیرفت که امنیت «پینوشه» را تضمین کند. اعطای چنین امتیازی به پینوشه به این معنی بود که وی می‌تواند تا زمانی نامعلوم و نامحدود جریان محاکمه خود را به تعویق بیندازد و باز این به معنای آن بود که پینوشه بایده مرگ طبیعی میرد.

آیا احساس می‌کنید در ماجرای گریز شما شورا و دادگاه‌های اسپانیا و انگلیس آدم‌هایی را پیدا کنید که از حکومت دیکتاتوری حمایت می‌کنند و چشمه و گوش خود را بر روی جنایاتی که علیه بشریت صورت می‌گیرد، می‌بندند. بدبخانه چنین چیزی در همه کشورها مشاهده می‌شود. مشکل اینجا است که اگر این تعداد از مردم فرار داد، حتی اگر این جنایات خارج از



پینوشه بایک کودتای نظامی قدرت را بدست گرفت. سالوادور آلنده، رئیس جمهور وقت شیلی برای حل مشکلات کشور پیشنهاد پروراند و او آن را در برنامه کثرتوری گنجانده بود تا مردم با استفاده از یک فرصت کاملاً ناموگراییک از بین و راه به وجود آمده، بکلی را برگزینند. اما پینوشه، این فرصت نمودار را یک روز از مردم گرفت.

مورد اقتصاد و کارنامه اقتصادی او هم باید بگویم تاریخ نشان داد طول مدت حکمرانی پینوشه اقتصاد شیلی ۱۰ درصد کاهش یافته است. اگر بخواهید یک نمونه موفق از برنامه‌های اقتصادی پینوشه را در آلمان دوره رایش سوم خواهید دید که برنامه اقتصادی آن در کوتاه مدت خوب جواب داد لذا آن را گفته می‌شود. برنامه اقتصادی پینوشه خوب بود، فقط یک افسانه‌هاست و کسانی که این ادعاها را دارند نیز هرگز نمی‌توانند توضیحی برای کشته‌های وسیع شهروندان و همچنین لاپرواهی‌های فردی و وضعی‌های اجتماعی آن دوران داشته باشند.

فکر می‌کنید در آینده مورخان درباره پینوشه خواهند نوشت؟

اسپانیا صورت گرفته باشد. چنین قانونی در انگلیس هم وجود دارد و به روی آن هاسته بود. حال آن‌ها می‌خواستند و کشش اعلام‌ده‌های قربانیان دوران محاکمه نسبت به مرگ پینوشه چگونه بود؟

اوکش آن‌ها کاملاً منطقی بود. آن‌ها از من تقاضای همکاری در پرورنده را داشتند. زیرا دادگاه‌های شیلی در طول دهه ۹۰ قبل از آن بودند. ما هاسته بود. حال آن‌ها می‌خواستند پرورنده محاکمه علیه پینوشه باشد. بعد از آن نیز وقتی اعلام‌ده‌های قربانیان مرگ پینوشه را دیدند، این که دیکتاتور به پای میز عدالت کشانده نشد، نایابت و مایوس شدند.

شما چطور؟ آیا بیات حمایت‌هایی که هنوز هم در شیلی شامل حال پینوشه می‌شود، مایوس نیستید؟

این چیزی است که در بسیاری موارد، کشورهایی مختلف دنیا شاهد آن بوده ایم. شما شورا و دادگاه‌های اسپانیا و انگلیس آدم‌هایی را پیدا کنید که از حکومت دیکتاتوری حمایت می‌کنند و چشمه و گوش خود را بر روی جنایاتی که علیه بشریت صورت می‌گیرند، می‌بندند. بدبخانه چنین چیزی در همه کشورها مشاهده می‌شود. مشکل اینجا است که اگر این تعداد از مردم فرار داد، حتی اگر این جنایات خارج از

پینوشه بایک کودتای نظامی قدرت را بدست گرفت. سالوادور آلنده، رئیس جمهور وقت شیلی برای حل مشکلات کشور پیشنهاد پروراند و او آن را در برنامه کثرتوری گنجانده بود تا مردم با استفاده از یک فرصت کاملاً ناموگراییک از بین و راه به وجود آمده، بکلی را برگزینند. اما پینوشه، این فرصت نمودار را یک روز از مردم گرفت.

مورد اقتصاد و کارنامه اقتصادی او هم باید بگویم تاریخ نشان داد طول مدت حکمرانی پینوشه اقتصاد شیلی ۱۰ درصد کاهش یافته است. اگر بخواهید یک نمونه موفق از برنامه‌های اقتصادی پینوشه را در آلمان دوره رایش سوم خواهید دید که برنامه اقتصادی آن در کوتاه مدت خوب جواب داد لذا آن را گفته می‌شود. برنامه اقتصادی پینوشه خوب بود، فقط یک افسانه‌هاست و کسانی که این ادعاها را دارند نیز هرگز نمی‌توانند توضیحی برای کشته‌های وسیع شهروندان و همچنین لاپرواهی‌های فردی و وضعی‌های اجتماعی آن دوران داشته باشند.

فکر می‌کنید در آینده مورخان درباره پینوشه خواهند نوشت؟

اسپانیا صورت گرفته باشد. چنین قانونی در انگلیس هم وجود دارد و به روی آن هاسته بود. حال آن‌ها می‌خواستند و کشش اعلام‌ده‌های قربانیان دوران محاکمه نسبت به مرگ پینوشه چگونه بود؟

اوکش آن‌ها کاملاً منطقی بود. آن‌ها از من تقاضای همکاری در پرورنده را داشتند. زیرا دادگاه‌های شیلی در طول دهه ۹۰ قبل از آن بودند. ما هاسته بود. حال آن‌ها می‌خواستند پرورنده محاکمه علیه پینوشه باشد. بعد از آن نیز وقتی اعلام‌ده‌های قربانیان مرگ پینوشه را دیدند، این که دیکتاتور به پای میز عدالت کشانده نشد، نایابت و مایوس شدند.

شما چطور؟ آیا بیات حمایت‌هایی که هنوز هم در شیلی شامل حال پینوشه می‌شود، مایوس نیستید؟

این چیزی است که در بسیاری موارد، کشورهایی مختلف دنیا شاهد آن بوده ایم. شما شورا و دادگاه‌های اسپانیا و انگلیس آدم‌هایی را پیدا کنید که از حکومت دیکتاتوری حمایت می‌کنند و چشمه و گوش خود را بر روی جنایاتی که علیه بشریت صورت می‌گیرند، می‌بندند. بدبخانه چنین چیزی در همه کشورها مشاهده می‌شود. مشکل اینجا است که اگر این تعداد از مردم فرار داد، حتی اگر این جنایات خارج از

## شهر دوشنبه

### میزبان محققان افغانستان

مهمین صدی اختصاص یک کنفرانس به اوضاع افغانستان و امنیت منطقه آسیای مرکزی پس از ۵ سال سقوط طالبان، جمع پرشماری از محققان و کارشناسان را در شهر دوشنبه گردم آورد.

در این همایش دو روزه بیش از ۲۰ پژوهشگر و کارشناس و برخی دیپلمات‌ها و روزنامه نگاران خارجی شرکت کردند. مسأله امنیت ملی، اثرات آشوب‌های افغانستان در منطقه، مبارزه با مواد مخدر، پدیده اختلافات مهاجرزبانان، روند کند بازسازی، رشد فساد و بوروکراسی بی حد و مرز و سرانجام شکست‌ها و دستاوردهای ۵ سال اخیر در زمینه ثبات در افغانستان در این همایش که با همت فرهنگستان علوم تاجیکستان برگزار شد، مورد بررسی قرار گرفت.

هر کدام از شخصیت‌ها و کارشناسان حاضر در گردهمایی یکی از ابجد مسائل افغانستان را مورد بحث قرار دادند. پروفیسور ویکتور کارگیون، رئیس بخش مطالعات افغانستان در پژوهشگاه خاورشناسی فرهنگستان روسیه، دستاوردها و ناکامی‌های حکومت حامد کرزای در افغانستان را بررسی و وضع این کشور را از نظر سیاسی رو به

پروفیسور الکساندر کینازاف، پژوهشگر مسائل بین‌المللی در یکی از دانشگاه‌های فریضستان موارد ناکامی غربی‌ها در افغانستان را از زاویه تاریخی مورد بحث قرار داد.

پروفیسور سیرا ایالات متحده آمریکا در تاجیکستان در این همایش به بحث‌های سیاسی‌های آمریکا پاسخ داد و گفت: تأمین امنیت، در کشور جنگ‌زده‌ای مانند افغانستان که طالبان در آن همه امکانات را از میان برده‌اند، کار آسانی نیست و زمان درازی می‌خواهد.

سید محمد خیرخواه سفیر افغانستان در تاجیکستان نیز نقدی روشن بر نقش رنگ نیروهای خارجی در افغانستان را مطرح کرد. کسانی که در این کنفرانس سخن را می‌نویسند، کوشش کردند بیشتر از مشکلات بگویند و نتوانی و بین بس‌ها را سر فصل سخن قرار دادند.

یکی از مباحث جالب توجه این همایش سخنان شگفت‌انگیز افغانستان شناس روسی بود که به مقایسه مشکلات تاجیکستان و نیروهای خارجی در افغانستان با شکست ارتش سرخ پرداخت. کارگرون برای شفاف‌تر کردن تحلیل وضع افغانستان، سرگذشت نیروهای روسی در این کشور را مبعث عبرت نیروهای خارجی (غربی) دانست.

کارگرون بی آنکه نامی از سفیر آمریکا در اجلاس ببرد، گفت: آنتانی که پناه یابان به نیز بیشتر در این زمینه را ابراز می‌کنند، شجاعت اظهارشکست را از دست داده‌اند، همان گونه که خود زمران را از دست داده‌اند. این کسی بود که هر سال شکستی بیاید و باز سال دیگر برای شکست آینده برنامه‌ای جدید ریخته شود. او همچنین اظهار داشت که غربی‌ها به رهبری آمریکا آنچه را که ممکن بود، تجربه کردند و باید پذیرند که کارهای انجام شده که به سعی و مشاشرت آنها بستگی داشت، رهاشد. وی افزود: برخی مسائل مهم در افغانستان هستند که برخاسته از سنت‌های این سرزمین‌اند و هرگز در محاسبه جریان‌های نمی‌گنجد. از این نمونه‌ها می‌توان به فرهنگ افغانستان اشاره نمود. قاسم صدق اسکندراف استاد دانشگاه دوشنبه نیز در این سخنرانی گفت: پیش از ۶۰ میلیارد دلار، برای نیروهای خارجی در افغانستان هزینه و مصرف شده است.

حال اگر این سرمایه‌گذاری روی یک عرصه علمی و غیرسیاسی انجام می‌یافت، ارتش افغانستان و سیستم دفاعی این کشور به اندازه سال‌های پیش از بحران، بالا می‌رفت و حضور نیروهای خارجی نیز به بین سنت و اقتضای بدل نمی‌شد. حتی این پول بازسازی افغانستان آن کشور نیز ممکن بود. متأسفانه بعد از تسخیر تاجیکستان، بسیاری حاصل نیا آمده است، بلکه چند مشکل دیگری به وجود آمده است. فرهنگستان و کارشناسان و فرهنگتانی است که در این همایش، کارشناسان و تحلیلگران از ۱۰ کشور آمریکا، انگلیس، ایران، پاکستان، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی حضور داشتند.

توجه در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا مرگ پینوشه روی داد، و محور عمده داشت، اول این که وی در شرایطی قرار گرفت که محاکمه کردن او امری از نظر و ضروری می‌نمود، ضمن آن که پینوشه شرایط مناسب حضور در دادگاه را پیدا کرده بود.

دوم این که محاکمه او در شیلی امکان‌ناپذیر شده بود. به طور طبیعی تعدادشان کم است، شرایطی را به دست آوردند که مطابق آن بودند به قدرت برسند و حکومتی دیکتاتوری بنا کنند و از این موقعیت استفاده نکنند تا جنایت‌های بی شماری را مرتکب شوند، چنین کاری را حتماً خواهند کرد. چنین چیزی در شیلی هم وجود داشت. شماری از محیر مردم این کشور هنوز هم خود را مخیر کرده‌اند تا چشمشان را بر روی بی‌براهت‌ها جا مانده از پینوشه در شیلی ببینند.

واکنش و شورش‌های گسترده‌ای که می‌گویند «پینوشه، موجب رشد اقتصادی شیلی شد و این کشور را از معضله به نام کمونیسم نجات داد، چیست؟

این اصل حقیقت ندارد. اگر نگاهی به سال ۱۹۷۲ بیندازید، متوجه می‌شوید در آن زمان از همین روست که تام کالینز از افسران نیروهای ائتلاف در افغانستان وقتی خبر قتل اختر را دریافت کرد، گفت که این نیروها توانسته‌اند برای نخستین بار در جنگ ۵ ساله خود در افغانستان یکی از بلندپایه‌ترین فرماندهان القاعده را از بین ببرند، او افزود: بدون تردید طالبان فرد دیگری را جایگزین اختر خواهد کرد اما ما در دنبال او نیز خواهیم بود. کالینز افزود: سربوس‌های اطلاعاتی افغانستان نیز در این حمله به نیروهای ائتلاف کمک کرده‌اند. وی مدعی شد با وجود آن که جسد اختر بر اثر حمله مذکور از شکل افتاده اما آنان یقین دارند فرد کشته شده همان اختر است و اطلاعات آنان برای یافتن وی دقیق و موثق بوده است.

در لایه‌های عمیق‌تر افغانستان امروز در کنار دو ما مشکل کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در عرصه امنیت با دو معضل دست به گریبان است. ناکامی ناتو به عنوان نیروهای مسؤوول صلح و زجر ک طالبان به عنوان اهرم برهم زنده تیات.

طالبان مدت هاست به دنبال یک فضای جدید برای رشد و تجدید حیات می‌گردد. زیرا رهبران این گروه همچون وضع اعلام جنگ بر افغانستان را حق خود می‌خوانند. آنها اکنون ساز و کاره‌های خود را برای نفوذ دوباره در افغانستان می‌جویند. دوسال پس از فروریختن بنای طالبان در افغانستان تحلیلمان که فکر فرایند پنهانی می‌می‌دهند که بر اساس آن گفته می‌شد القاعده و طالبان در حال تقویت قوای خود و تلقین نیروی با گروه‌های کمونیست‌ها است. فرماندهان نظامی ائتلاف با وجودی که از اسرار پشت پرده آگاه بودند، تا مدت‌ها به این گونه احتمالات پنهانی نمی‌دادند آنها فقط جست‌وجوی برای یافتن بین‌لان و ملاعمر را ادامه می‌دادند.

فقط پس از حمله به تأسیسات نیروهای ایساف، کشته شدن نیروهای ناتو و تسخیر برخی مناطق مهم به دست طالبان بود که جبهه ائتلاف طعم شکست ناشی از مسامحه خود را حس کرد.

جبهه طالبان در این حرکت جدید خود نیز از صف متحدان خارجی یعنی اعراب و پاکستانی‌ها تشکیل شده است که این نیروها که پس از سقوط ابتدا در جنوب شرق که بیشتر ساکنان آن پشتون است پنهان شده و پناه گرفته بودند در ماه‌های اخیر به دلیل جلب حمایت قبایلی و طوایف شمال پاکستان و جنوب افغانستان توانسته‌اند مددخواهی خود را گسترش دهند.

سال گذشته، اختر با صورتی نیمه باز در فوئوتون پاکستانی جنو ظاهر شد و به روابط خود با رهبران القاعده و طالبان اقرار کرد تا بر جایگاه خود در لایه‌های عمیق این گروه‌ها مسلط بگردد. شاید اشاره به وی به ملاعمر در تماس‌ها و هم‌اکنون او در دستور می‌گیرم. شاید اشاره به وی به تقسیم خودخوانده نواحی متعدد افغانستان میان رهبران فرماندهان این گروه‌ها بود که خود نیز سهم زیادی برده بود. او افکار کرد: «طالبان در همه‌جا پیش از بحران افغانستان حضور دارند. این حضور تاریخی اعلام جنگ و برپاوردن ائتلاف بود. پس از آن بود که طالبان به توان مقاومت یافتند و نیروهای افغان و ائتلاف افروغ و ناظران در ماه‌های اخیر به دلیل جلب سخن گفتند. با آن که داستان بازگشت ائتلاف نینفاده و نیروهای هزار و ۵۰ نفری طالبان قادر به تحقیق آن نبودند اما پینوشه توانسته‌اند با حالی گذاشتن میدان زمینه ظهور امثال اختر را زور به زور مهیا تر کنند.

ناتو می‌گوید تلاش‌های هماهنگ و منظمی را برای تسخیر حمله‌ها علیه طالبان انجام داده و آن‌ها را از توانی در نزدیکی مرز پاکستان و افغانستان قرار داده است. این در حالی است که در محله عملیاتی خاصی نمی‌افتد تا حدی که شخص کرزای از بار گذاشتن قضا برای آشوبگران طالبان فریاد سر می‌دهد.

# حذف حلقه ارتباطی طالبان

هرمز پرادان

در کانون قندهار قتل ملاختر محمد عثمانی از آن جهت یک حادثه مهم تلقی شد که وی در تجدید قوای طالبان و سازماندهی شبکه‌ها هم باسپیده‌ها نقش کلیدی داشته است. گفته می‌شود او با وجود فرار سران طالبان هیچ‌گاه قادر به ترک نکرده بود.

بر اساس گزارش منابع افغان، زمانی که پایگاه طالبان به دست نیروهای ائتلاف سقوط می‌گردد، اختر پیوستگی خود با خاکستار فکری و عملیاتی اش را در قندهار حفظ می‌کند. این منابع معتقدند اختر از آنجا که جزو نزدیک ترین افراد به بن‌لادن رهبر القاعده و ملاعمر طالبان بوده، در ایام عزت و غیبت سران این گروه، نقش هماهنگ کننده شاخه‌های نظامی این گروه را در جنوب افغانستان ایفا می‌کرده است.

به همین دلیل استوگنیان ناتو قدرت گیری دوباره طالبان در جنوب افغانستان را حاصل استراتژی‌ها و طرح‌های اختر می‌دانند و امیدوارند خلأ برنامه ریزی‌های وی برای طالبان، تا مدتی از موج خشونت بکاهد.

احمد راشد از محققان و مؤلفانی که درباره گروه‌های شبه نظامی در افغانستان مطالعه کرده است، می‌گوید مرگ اختر می‌تواند برنامه ریزی‌های طالبان در چند ماه آینده را مختل کند. او می‌افزاید: اختر از نخستین حامیان اسامه بن لادن و یکی از حلقه‌های مستحکم ارتباطی طالبان و القاعده بود که این ارتباطات دوسویه نقش و جایگاه او در میان همفکرانش را مهم جلوه می‌داد.

دیپلمات‌ها و مستشاران کلان اختر را با اقدام‌های افراطی و نابودی مجسمه قدیمی بودا در بامیان و محاکمه اتباع مسیحی در سال ۲۰۰۱ گوشه‌ای از فهرست بلندبالای اقدام‌های او دانست که رنج به این حوادث نام وی را پیش از سایرین نداده می‌شود. در حد خود در این جزو شورای رهبری ۱۲ نفره طالبان بوده و در مسئله مرابت ارتباط طالبان در رده چهارم قرار می‌گرفته است. می‌گرفت و از آن روز تاکنون قندهار حومه سران وی شناخته می‌شود.

طرح عملیات‌های تروریستی بر اساس گزارش ناظران امنیتی، تخصص جواد اختر در عملیات ارتباطی بود. وی مجموعه‌ای از نیروهای جوان عرب، افغان و پاکستانی در اختیار داشت که در آموزش آنان بسیار مستگیر بود. آموزش‌های اردوگاه اختر در شمال استان کناری نمود نمی‌شد، به طوری که گفته می‌شود نیروهای طالبان در قندهار و مناطق نزدیک به آن سازماندهی بیشتری دارند و در عرصه کشتار و لایه‌های قدرت درخشان‌تری یافتند. بمب گذاری کارنامه اده از تأکیدهای نامی او بوده است که به طالبان کمک می‌کرد تا قربانیان بیشتری بگیرند.

این برنامه‌های اختر در اطراف قندهار و سایر محدوده‌های فعالیت طالبان سبب شد تا حامد کرزای رئیس جمهور افغانستان اوایل سال جاری نسبت به خطرناک بودن وی هشدار دهد و نقش جدی او در خشونت‌های جاری در نیروهای ائتلاف



## تشیکلات فرماندهی سابق طالبان و جایگاه ملا اختر عثمانی

- نیروهای شمال افغانستان؛
  - واحد‌های مسلح پشتون؛
  - نیروهای جنوب شرق (فرز، پکتیا و پکتیکتا)؛
  - ریاست‌های شرقی؛
  - اختر عثمانی به همراه عبدالرزاق بعدا یا از نتایج موقعیت فرماندهی حوزه قندهار، هلمند و زابل را نیز در دست گرفتند.
  - جمعه نمکنانی که کار جذب و سازماندهی افراطیون نواحی از یک تا تاجیک را برعهده داشت سال ۲۰۰۱ کشته شد.
- نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا که سال ۲۰۰۱ با هدف سرکوب طالبان در افغانستان مستقر شد. تاکنون با وجود اوضاع تازه ای که برپا شده است، شبکه طالبان را با همه بهره‌ها و عواملش در حیطه و مرزی افغانستان و پاکستان از راه‌ها گذاشته، جنبه تاکتیکی و مفصلی دارد یا آن که بخشی از استراتژی بزرگ است. به هر چه اگر بازرگان این شبکه اعلام شد، ملا اختر محمد عثمانی از روی در گرماگرم این شبکه اعلام شد. دسامبر ۲۸ (آذر) در یک حمله به فرماندهان ارشد طالبان ۱۹ دسامبر (۲۸ آذر) در یک حمله به خودرویی وی کشته شد است. نیروهای ائتلاف مرگ اختر را دستاورد بزرگی قلمداد کرده‌اند.